

مبانی نظری پیوند آرمان‌ها و واقعیت‌ها در اندیشه سیاسی امام خمینی^(ه) مطالعه موردی: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

قربانعلی قربانزاده سوار*
علی شریعتمداری**

چکیده

در پژوهش حاضر در پرتو دو رویکرد کلان روابط بین‌الملل یعنی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی به بررسی مبانی پیوند آرمان‌ها و واقعیت‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (ج.ا.ا) با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی^(ه) پرداخته شد و با روش تحلیلی-توصیفی با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای به این پرسش، پاسخ داده شد که مبانی پیوند آرمان‌ها و واقعیت‌ها در سیاست خارجی ج.ا.ا چیست؟ یافته پژوهش حاکی از آن است که مؤلفه‌های آرمانی و واقعی سیاست خارجی ج.ا.ا بر اساس مبانی و اصول فقه شیعی از جمله اجتهاد، عقل، منطقه‌فراغ، حکم حکومتی، مصلحت، عقل، زمان و مکان، و حفظ نظام، با یکدیگر انتظام یافته است. بنابراین، دیدگاه سیاست خارجی ج.ا.ا نه آرمان‌گرایی محض و نه واقع‌گرایی صرف بلکه تلفیق این دو یعنی آرمان‌گرایی واقع‌بین است که بر مبانی فقه شیعه استوار است و آرمان‌ها و واقعیت‌ها در پرتو آن، پیوند نهادین یافته‌اند.
کلیدواژه‌ها: آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، فقه سیاسی شیعه، آرمان‌گرایی واقع‌بین، سیاست خارجی ج.ا.ا.

۱. مقدمه

در روابط بین‌الملل دو مکتب عمده ایده‌آلیسم (آرمان‌گرایی) و رئالیسم (واقع‌گرایی)، توجه دانشمندان و سیاستمداران را به خود معطوف داشته است. ارزیابی رعایت آرمان-

*استادیار علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ه) a.savar@yahoo.com

**کارشناس ارشد علوم سیاسی - دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ه) (نویسنده مسئول)

alishariatmadari454@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۴

ها و واقعیت‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (ج.ا.ا) در تطابق با دو رویکرد آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی که هر یک از این دو از مؤلفه‌ها و اقتضائات خاص خود برخوردار است، این سؤال را پیش می‌آورد که سیاست خارجی ج.ا.ا، آرمان‌گرا یا واقع‌گرا است؟ با مروری کلی مشخص است که سیاست خارجی ج.ا.ا از یک بعد، آرمان‌گرا است چون پیروی از اصول قانون اساسی بر آرمان‌خواهی مبتنی است. برقراری نظام عادلانه بر اساس عدالت و تأکید بر مسئولیت‌های فرامرزی امت اسلامی، صدور انقلاب، سیاست نه شرقی نه غربی، دفاع از حقوق مسلمانان در قبال مستکبران، تلاش در جهت تشکیل امت واحد جهانی و نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، گویای آرمان‌گرایی در سیاست خارجی ج.ا.ا است. از بعد دیگر، سیاست خارجی ج.ا.ا، واقع‌گرا است چون برخی مؤلفه‌ها در سیاست خارجی آن بر واقع‌گرایی دلالت دارد مثل روابط با کشورهای گوناگون بر اساس اصل عدم مداخله در امور کشورهای دیگر، مشارکت و همکاری فعال با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، حضور فعال منطقه‌ای و تلاش در ایجاد ثبات در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، پیوستن به سازمان شانگهای، مذاکره با گروه ۵+۱ در مورد مسایل هسته‌ای کشور. اما سیاست خارجی ج.ا.ا نه آرمان‌گرای محض و نه واقع‌گرای ناب است بلکه تلفیقی از این دو به نام آرمان‌گرایی واقع‌بین است. بنابراین، سؤال اصلی مقاله این است که چگونه ابعاد آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی ج.ا.ا با یکدیگر پیوند خورده است؟ فرضیه مقاله این است که مؤلفه‌های آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی ج.ا.ا بر اساس اصول فقه شیعه با یکدیگر پیوند نهادین یافته است.

در مورد پیشینه، منابع منتشره مربوط به موضوع را می‌توان در دو گروه دسته‌بندی کرد. بخش اول شامل پژوهش‌هایی است که به بحث آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی، نحوه پیوند آنها و نظریات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی پرداخته‌اند اما به صورت خاص به ایران اشاره ندارند. در این مورد می‌توان به کتب نظریه کلان در روابط بین‌الملل (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳)، تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل (مشیرزاده و ابراهیمی، ۱۳۹۰)، روش و بینش در سیاست (کاظمی، ۱۳۷۴)، اخلاق و سیاست: اندیشه سیاسی در عرصه عمل (کاظمی، ۱۳۷۶)، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی (خوشوقت، ۱۳۸۵) مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی (سیف‌زاده، ۱۳۸۱)، و مقالات بررسی و اساسانه نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی و پیوند آن با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی (ابراهیمی، ۱۳۸۸)، رئالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست

خارجی (اسدی، ۱۳۸۹) و ... اشاره کرد. بخش دوم، منابعی است که به واقع‌گرایی یا آرمان‌گرایی در سیاست خارجی ج.ا.ا. پرداخته‌اند اما در مورد نحوه ارتباط این سطوح، بحث مبسوطی ارائه نکرده‌اند که در این مورد می‌توان به کتاب‌های کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (صفوی‌همامی، ۱۳۸۸)، چهارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (رمضانی، ۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (بخشایشی‌اردستانی، ۱۳۷۵)، فرهنگ ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱)، و مقالات واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۰)، اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: جستاری در متون (غراباق‌زند، ۱۳۸۷)، مبانی فرانظریه اسلامی بین‌الملل (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۹)، نسبت میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در اندیشه امام خمینی با تأکید بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱)، نقد و بررسی نظریه‌های روابط بین‌الملل امام خمینی و اندیشمندان غربی (فیاض، ۱۳۸۶)، آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (دهشیری، ۱۳۷۸)، بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم (ابراهیمی، ستوده و شیخون، ۱۳۸۹)، رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل در مقایسه با رویکرد رئالیستی و لیبرالیستی (ابراهیمی، ستوده و شیخون، ۱۳۸۹) اشاره کرد که در این آثار به بحث واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در سیاست خارجی ج.ا.ا. اشاره شده اما در مورد نحوه و مکانیسم پیوند این دو سطح بر اساس بنیان‌های اعتقادی، بحث نشده است. نوآوری این پژوهش آن است که پیوند واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در سیاست خارجی ج.ا.ا. را با مبانی فقهی اصولی شیعی توضیح دهد.

۲. بحث مفهومی: آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل

ضرورت نظریه‌پردازی برای تحلیل و تبیین مسائل بین‌المللی، موجب تحولات بسیار در توسعه تئورهای روابط بین‌الملل شد و در زمینه‌های مختلف روابط بین‌الملل و در مورد مسائل جنگ، خلع سلاح، امپریالیسم و...، نوشته‌های متعدد به تدریج تدوین شد. این نوشته‌ها به دو رهیافت کلی تقسیم شد و این دو رهیافت موجب پیدایش دو مکتب واقع‌گرایی (Realism) و آرمان‌گرایی (Idealism) در روابط بین‌الملل شد. (سیف‌زاده، ۱۳۷۴: ۳۰-۳۳) یکی از مباحث مهم در حوزه سیاست خارجی کشورها، بررسی نوع رویکرد ایده‌آلیستی و رئالیستی در تعاملات بین‌المللی می‌باشد. دو رهیافت عمده

سیاست خارجی، در شکل‌دهی به سیاست خارجی کشورها شامل رهیافت‌های واقع‌گرا و آرمان‌گرا است.

مفهوم ایدئالیسم در حوزه‌های گوناگون به کار می‌رود و ایدئالیسم در غالب موارد، نقطه مقابل رئالیسم شمرده می‌شود. تأکید لالاند در «فرهنگ اصطلاحی، انتقادی فلسفه» این است که این اصطلاح باید در نهایت دقت و در معیت قرینه استعمال شود. در فارسی به جز تعبیر ایدئالیسم، برابرنهادهایی چون مذهب اصالت معنا، تصورگرایی، ذهن-گرایی، ایده‌باوری و آرمان‌گرایی به آن اشاره دارد. (بیات، ۱۳۸۶: ۵۵) آرمان‌گرایی به عنوان یک مکتب فکری، ریشه در خوش‌بینی روشنگری قرن هیجدهم، لیبرالیسم قرن نوزدهم و ایده‌الیسم قرن بیستم دارد. به نظر آرمان‌گرایان، سیاست عبارت از حکومت خوب است و سیاست‌مدار خوب کسی است که عملکرد و رفتار او مطابق اخلاق و ارزش‌های انسانی باشد. به نظر آرمان‌گرایان، انسان ذاتاً خیرخواه است و در صورت فراهم شدن محیط مساعد، خشونت را پیشه نخواهد کرد. آنان حکومت‌ها به ویژه انواع غیردموکراتیک آن را علت اساسی جنگ و ناامنی می‌دانند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۸) بسیاری از آرمان‌گرایان بر این اعتقاد بوده‌اند که می‌توان شرایط داخلی نظام را برای محیط بین‌المللی بازتولید کرد. (قوم، ۱۳۸۴: ۶۸) جنبه‌های اصلی ایده‌الیسم سیاسی در چند مورد زیر مشخص می‌شود:

نخست، دولت، نهاد اخلاقی است.

دوم، دولت برای رشد شخصیت انسان ضروری است.

سوم، فرد، واحد اخلاقی است.

چهارم، دولت، اراده و شخصیت خاص خود دارد.

پنجم، پایه دولت، اراده است نه زور.

ششم، وظیفه دولت، رفع موانع دستیابی فرد به زندگی خوب است.

هفتم، اطاعت از دولت به معنای مجادله با خود نیست.

هشتم، فرد طبق قاعده و قانون از دولت اطاعت می‌کند. (عالم، ۱۳۸۵: ۴۵۲-۴۵۴)

طبق دیدگاه آرمان‌گرایان، سیاست خارجی که مبتنی بر اصول اخلاقی باشد، کارایی و تأثیر بیشتر دارد؛ زیرا به وحدت و همکاری بیش از رقابت و ستیز کمک می‌کند.

بنابراین، از نظر آرمان‌گرایان، قدرت اخلاقی، موثرتر از قدرت مادی است. (پلانو و

اولتون، ۱۳۷۶: ۲۴-۲۵) اصول بنیادین ایدئالیسم عبارتند از:

- ۱- سرشت و ذات بشر اساساً خوب و نوع دوستانه است. بنابراین، انسان‌ها قادر به همکاری هستند.
 - ۲- دلواپسی اساسی بشر برای رفاه دیگران، ترقی و پیشرفت را امکان‌پذیر می‌سازد.
 - ۳- رفتار بد و جنگ، محصول و معلول انسان شرور نیست، بلکه معلول نهادها و ترتیبات ساختاری است.
 - ۴- جنگ، اجتناب‌ناپذیر نیست اما با محور ترتیبات نهادی مشوق آن، کاهش می‌یابد.
 - ۵- جنگ، مشکل بین‌المللی است و به تلاش مشترک یا چندجانبه برای کنترل نیاز دارد.
 - ۶- جامعه بین‌المللی ملزم است تا نهادهای عامل جنگ را از بین ببرد.
 - ۷- امنیت بین‌المللی از طریق امنیت دست‌جمعی تأمین می‌شود و کشورها باید امنیت ملی خود را در راستای امنیت بین‌المللی تعریف کنند.
 - ۸- منافع همه کشورها به هم پیوسته است و آنها باید در صدد تأمین مصالح بشری به جای منافع ملی باشند.
 - ۹- قواعد حقوقی و ارزش‌های انسانی، نقش تعیین‌کننده در تنظیم مسالمت‌آمیز روابط بین‌الملل دارند و کشورها باید پایبند آنها باشند.
 - ۱۰- قدرت‌طلبی در روابط بین‌الملل در چارچوب نهادهای بین‌المللی قابل کنترل است در نتیجه، سازمان‌های بین‌المللی نقش بنیادی در مناسبات کشورهای دارای حاکمیت دارند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۹)
- رنالیسم، مکتب دیگر روابط بین‌الملل می‌باشد که به لحاظ واژه‌شناسی (Terminology) از کلمه رئال (Real) اخذ شده که خود مشتق از رئالیسم (Realis) است. این کلمه نیز از واژه لاتین ریس (Res) به معنای شیء یا چیز واقعی است. رئالیسم به لحاظ فلسفی به دکترینی گفته می‌شود که بتوان با آن اصول جهانی را به طور واقعی حس کرد. (اطاعت، ۱۳۸۹: ۲۱۷-۲۱۸) اصطلاح رئالیسم در بیشتر حوزه‌ها در مقابل ایدئالیسم (تصورگرایی، معناگرایی، آرمان‌گرایی) استعمال می‌شود. رئالیسم دو کاربرد متمایز دارد: یکی به معنای کلیت‌گرایی در مقابل اصالت‌تسمیه و دیگر به معنای واقع‌گرایی در مقابل ایدئالیسم در فلسفه. (بیات، ۱۳۸۶: ۲۸۹) واقع‌گرایی در سیاست‌گذاری اصولاً مبتنی بر تجربه و عمل-گرایی است، در حالی که آرمان‌گرایی بر پایه اصول انتزاعی قرار دارد و متضمن هنجارهای بین‌المللی، ضوابط قانونی و ارزش‌های اخلاقی و معنوی است. مکتب واقع-گرا، قدرت را اصل رایج در روابط بین‌الملل می‌داند و استفاده خردمندانه و مؤثر از قدرت را عنصر اساسی سیاست خارجی موفق محسوب می‌کند. (پلانو و اولتون، ۱۳۷۶:

۲۴) رئالیست به واقعیاتی که در حوادث و جریان عمل دخالت دارد، توجه دارد. رئالیست‌ها سعی دارند خود را با واقعیات جهان و محیط وفق دهند اما ایده‌آلیست سعی دارد جهان و اوضاع آن را با ایده‌آل خود وفق دهد. (پازارگاد، ۱۳۴۴: ۹۵) در دیدگاه واقع‌گرایی سیاسی، روابط بین‌الملل عرصه کشمکش برای برتری بر رقبا است و هر دولت، سایر دولت‌ها را رقبای خود می‌داند. (چونوف، ۱۳۸۸: ۱۰۰)

رئالیسم در شکل کلاسیک در اثر توسیدید یعنی «جنگ پلوپونز» منعکس شد. در عصر مدرن این سنت را کلازویتز (درباره جنگ)، لئوپولدرتک (اولویت سیاست خارجی) و فردریک ماینک (دلیل وجود دولت) دنبال کردند و هانس مورگنتا، هنری کسینجر و جرج کنان به بحث در اطراف آن پرداختند. واقع‌گرایان دولت‌ها را بازیگران اصلی صحنه بین‌الملل تلقی کرده و بر قدرت و منافع ملی تأکید دارند چون در محیط فاقد اقتدار مرکزی، نیروی نظامی کارآمد برای حمایت از دیپلماسی، سیاست خارجی و تأمین امنیت، ضروری است. (قوام، ۱۳۸۱: ۳۵۶-۳۵۸) واقع‌گرایی یک نظریه فراگیر و کلان (Grand Theory) روابط بین‌الملل است که در صدد تبیین کلی سیاست بین‌الملل و پدیده‌های گوناگون بین‌المللی بر اساس ویژگی ثابت انسان‌ها و کشورها می‌باشد. بنابراین، واقع‌گرایی یک رویکرد داخل به خارج (Inside Out Perspective) است که برای توضیح روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها بر خصوصیات ملی کشورها و انسان‌ها تأکید می‌کند. این نظریه که مبتنی بر واقع‌گرایی سیاسی است و ریشه در اندیشه متفکرینی چون توسیدید، ماکیاولی، هابز و راینهولدینور دارد، بعد از جنگ جهانی دوم توسط مورگنتا، ولفرز و کنان در واکنش به آرمان‌گرایی ارایه شد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۸)

مطابق اقتصاد سیاسی نواقع‌گرایی گیلپین، آموزه محوری واقع‌گرایی در عرصه سیاست خارجی، تأکید بر قدرت و ثروت است که در چارچوب منافع ملی تعریف می‌شود. مورگنتا تفاسیر واقع‌گرایانه هابز از ماهیت انسانی را در روابط میان کشورها و نظام رفتاری دولت‌مردان در صحنه بین‌المللی بسط داد. او در کتاب سیاست میان ملت‌ها یکی از اصول واقع‌گرایی سیاسی را باور به وجود قوانین عینی مستقل از خواست و عقیده انسان در سیاست و جامعه دانست. (ابراهیمی، ستوده و شیخون، ۱۳۸۹: ۱۲۰)

در رئالیسم سیاسی مورگنتا نخستین نکته، تفکیک بین «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» است. او معتقد بود که سیاست با قوانین عینی شکل می‌گیرد، نقش می‌بندد و هدایت می‌شود. دومین نکته این که سیاست خارجی کشورها در صحنه رقابت سیاسی و مبارزه

برای قدرت‌یابی یا حفظ قدرت است. سومین نکته، تفکیک آرزوهای معنوی در داخل با سیاست بین‌المللی است. (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۱۳-۱۴) قالب فکری سنتی نظام بین‌المللی مبتنی بر مفروضاتی است که در نظریه واقع‌گرایی یافت می‌شود از جمله: (۱) دولت‌های ملی، بازیگران اصلی نظام «دولت‌محور» هستند؛ (۲) سیاست بین‌المللی، کشمکش بر سر قدرت در یک محیط فاقد مرجع فائده مرکزی است. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۳: ۱۴۳)

خصوصیت ذاتی جهان بر مبنای مفروضات واقع‌گرای سیاست، تعارض فعال یا بالقوه دولت‌ها است که در هر زمان ممکن از زور استفاده می‌شود و هر دولت می‌کوشد از سرزمین و منافع خود در برابر تهدیدهای واقعی یا تصویری دفاع کند. (لینکلتر، ۱۳۷۸: ۲۰۶) مطابق این مفروضات، کشور در تنظیم و اجرای سیاست خارجی خویش در صحنه بین‌الملل باید:

- ۱- دارای تصمیم‌گیران و بازیگران خردمند باشد؛
 - ۲- به دنبال دستیابی به قدرت و ثروت در چارچوب منافع ملی باشد؛
 - ۳- متدولوژی علمی و رفتارگرایانه داشته باشد؛
 - ۴- واقعیت محیط سیاست جهانی را درک کند؛
 - ۵- واجد تعریف عینی از مفاهیم قدرت، دولت، منافع و سیاست باشد؛
 - ۶- فاقد سیاست اخلاقی (البته نه اخلاق سیاسی) باشد. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۲۲)
- واقع‌گرایی یا مکتب سیاست قدرت برای مدت زمان طولانی، پارادایم حاکم در مطالعه سیاست بین‌الملل بود. کنت والتز (Kenneth Waltz) در کتاب نظریه سیاست بین‌الملل (Theory of International Politics) به بازبینی نظریه واقع‌گرایی کلاسیک پرداخت. نظریه پردازان واقع‌گرای کلاسیک از جمله نیهور، هرز (Herz)، اروان (Erwan)، کار (E.H Carr)، مورگنتا، کسینجر و کنان بر این باورند که مفاهیم کلیدی این نظریه در سه مفهوم دولت‌گرایی (Statism)، بقا (Survive) و خودیاری (Self-Help) خلاصه می‌شود. (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۵) دولت‌گرایی شامل دو ادعا است: نخست، دولت مهمترین بازیگر است. دوم، دولت بر سرزمین خود حاکمیت دارد. (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹)
- بقا پیش‌شرط حصول کلیه هدف‌های ملی است. از نظر هنری کسینجر مسئولیت اولیه و غایی هر دولت، بقای آن است. (قوام، ۱۳۸۱: ۳۵۹) اصل خودیاری این است در یک نظام آنارشی‌گونه، برای حمایت از خود در مقابل تهدیدهای خارجی هیچ مستمسکی

وجود ندارد و حفظ بقای هر دولت به عنوان یک کیان مستقل سیاسی نهایتاً متوجه همان دولت است. (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۵)

آرمان‌گرایی در مفروضات، سطح تحلیل و متدلوژی خود، تفاوت عمیق با واقع-گرایی دارد: اول، آرمان‌گرایان، موافق اتخاذ سیاست اخلاقی- مبتنی بر صلح و بشردوستی در سیاست خارجی هستند اما واقع‌گرایان به سیاست اخلاقی، اعتقاد نداشته و حداکثر به اخلاق سیاسی (نزاکت دیپلماتیک) معتقد هستند. دوم، آرمان‌گرایان معتقدند تغییر محیط جهانی با استفاده از دستکاری و تأسیس نهادهای بین‌المللی میسر است اما واقع‌گرایان به چنین تغییری اعتقاد ندارند. سوم، سطح تحلیل واقع‌گرایان، دولت-ملت با محوریت حاکمیت ملی است اما آرمان‌گرایان به فراتر از مرزهای ملی یعنی جامعه بین‌المللی اعتقاد دارند. (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۲۹)

به نظر کار در کتاب «بحران بیست ساله»، آرمان‌گرایی از خوش‌بینی قرن بیستم ویلسون رئیس جمهوری آمریکا متأثر بود. این مکتب، سیاستمداران را دارای آزادی عمل گسترده در تصمیم‌گیری سیاست خارجی می‌داند و بر «باید»‌های رفتار اعضای جامعه بین‌المللی تأکید دارد و از سیاست‌های واقع‌گرایانه و موازنه قوا (از جمله تسلیح کشورها، اعمال زور و خشونت در امور بین‌المللی) انتقاد می‌کند. به اعتقاد آن، سیاست‌های مزبور بایستی جای خود را به تعهدات و حقوق بین‌المللی و سازگاری منافع کشورها بدهد. در این مکتب، اخلاق و قضاوت‌های ارزشی جایگاه خاص دارد. (خوشوقت، ۱۳۷۵: ۴۹) جنگ جهانی اول این اندیشه را قوت بخشید که جنگ، نتیجه قدرت‌طلبی است و این تصور را خنثی کرد که زور را می‌توان با زور بی‌اعتبار ساخت. پس چاره درد، تقویت احساسات خوب و اخلاقیات و استفاده از ابزارهای حقوقی است. ارکان نظری نظام بین‌الملل در قرن نوزدهم، ارکان رئالیسم معاصر بود که نقطه مقابل آن پس از جنگ جهانی و همچنین سیستم منبعث از آن یعنی نظام دست-جمعی بعدها به نام ایده‌آلیسم شناخته شد. (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۱۳)

بر خلاف آرمان‌گرایی که بر جهان‌بایدها تأکید می‌ورزد، واقع‌گرایی، مدعی توضیح جهان هست‌ها است. از منظر واقع‌گرایی، نظام بین‌الملل متشکل از کشورهای دارای حاکمیت، خودپرست و منفعت‌طلب، با منافع متفاوت و متعارض است که تلاش می‌کنند آن منافع را تا حد امکان افزایش دهند. واقع‌گرایان، سیاست بین‌الملل را به صورت حوزه‌ای تعریف می‌کنند که قانون و اخلاق در آن نقش ندارد و مبارزه برای کسب قدرت بر مناسبات کشورها حاکم است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۲۸) سیاسیون واقع-

گرا سیاست را عرصه رقابت برای تحصیل قدرت می‌دانند. بر این مبنا، رفتار عاقلانه واقع‌گرایانه، رفتاری برای کسب قدرت و منافع است. آرمان‌گرایان، اصول اخلاقی و متعالی انسانی را بالاتر از قدرت می‌نشانند اما در نگاه واقع‌گرایان یک انسان معقول، یک عمل‌گرای تمام‌عیار است و چانه‌زنی و بده‌بستان بر محور منفعت، کارآمدتر از پایبندی به ارزش‌ها و اصول اخلاقی است. (بیات، ۱۳۸۶: ۲۹۳-۲۹۴) کار، اختلاف دو مکتب مزبور را در روابط بین‌الملل به شرح زیر بیان می‌کند:

۲-۱. ایده‌آلیست‌ها

- ۱- معتقد به آزادی عمل وسیع سیاستمداران در طرح سیاست خارجی هستند.
- ۲- به جای چگونگی رفتار افراد بر بایدهای رفتار آنها تأکید دارند.
- ۳- موازنه قوا، کاربرد زور، معاهدات سری و تقسیم غنایم جنگی را تخطئه می‌کنند.
- ۴- بر حقوق و تکالیف بین‌المللی تأکید دارند.
- ۵- معتقد به هماهنگی طبیعی منافع ملی به عنوان عامل تنظیم صلح جهانی هستند.
- ۶- به حکومت عقل در امور بشری و نقش افکار عمومی در حفظ صلح متکی هستند.

۲-۲. رئالیست‌ها

- ۱- بر قدرت و منافع به جای ایده‌آل تأکید دارند.
- ۲- انسان را طبیعتاً قدرت‌طلب می‌دانند.
- ۳- به تاریخ، تجربه، احتیاط و دوراندیشی معتقدند.
- ۴- دیدگاه بدبینانه به سیاست بین‌الملل دارند.
- ۵- قدرت را مفهوم بنیادی و تئوری‌ها را توجیه‌گر و نه شکل‌دهنده وقایع تلقی می‌کنند.
- ۶- معتقدند که توسل به عقل و افکار عمومی، صلح را حفظ نمی‌کند. (مقتدر، ۱۳۷۰: ۴۷-۴۸)

۳. آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به ویژگی و عناصر مکاتب آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، سیاست خارجی ج.ا.ا قابل انطباق کامل با مکاتب مزبور نیست اگرچه در برخی از ویژگی‌ها با مکاتب مزبور انطباق‌پذیر است. بنابراین، تبیین سیاست خارجی ج.ا.ا الگوی منحصر به فرد را می‌طلبد. (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۲۹) مکتب واقع‌گرایی قابل انطباق با سیاست خارجی ج.ا.ا نیست

چون بر خلاف تکیه واقع‌گرایی بر دولت ملی، بر مصالح امت اسلامی و اسلام در راستای تحقق حکومت واحد جهانی تأکید می‌شود. واقع‌گرایی بر قدرت مادی و نظامی تکیه دارد اما سیاست خارجی ایران بر جنبه فرهنگی تأکید دارد. (ازغندی، ۱۳۸۰: ۱-۲) آرمان‌گرایی سیاست خارجی ج.ا.ا با مکتب‌گرایی روابط بین‌الملل هم قابل انطباق نیست ولی می‌توان از این نظریه برای تحلیل سیاست خارجی ج.ا.ا استفاده کرد. از طرفی، مکتب واقع‌گرایی در تحلیل سیاست خارجی ج.ا.ا قابل کاربرد است چون سیاست خارجی آن بر اساس «منافع ملی» صورت می‌گیرد. در طول دوران پس از انقلاب در کلام امام خمینی و رهبر انقلاب اسلامی بر حسب موضوعات و مقتضیات از مؤلفه‌های دو مکتب آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی ج.ا.ا استفاده شده است.

سیاست‌گذاران نظام ج.ا.ا با دو رویکرد واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی به تدوین و اجرای سیاست خارجی پرداخته‌اند. رویکرد واقع‌گرای انقلابی با تأکید بر موانع و امکانات داخلی و بین‌المللی، تحقق مواضع انقلابی را دنبال می‌کند و رویکرد آرمان‌گرای انقلابی برای تحقق مقاصد انقلاب به امکانات و موانع داخلی و بین‌المللی توجه کمتر دارد. این سیاست‌گذاران در چگونگی دستیابی به اهداف ملی و مصالح امت اسلامی، به دو گروه واقع‌گرایان انقلابی و آرمان‌گرایان انقلابی طبقه‌بندی می‌شوند. (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۳۰) آرمان‌گرایان انقلابی و واقع‌گرایان انقلابی برای تحقق اهداف اسلامی در عرصه بین‌الملل، ایستار متفاوت دارند. آرمان‌گرایان، هودار انقلاب جهانی و ایجاد نظام جهانی اسلامی در حال حاضر هستند اما واقع‌گرایان ضمن آرزوی ایجاد نظام جهانی اسلامی با واقعیت‌های موجود نظام بین‌المللی کنار می‌یابند. (رمضانی، ۱۳۸۰: ۶۸)

در شرایط انقلابی و جنگ تحمیلی، سمت‌گیری آرمان‌گرایان در عرصه سیاست خارجی بر موضع واقع‌گرایان برتری داشت اما پایان جنگ و ضرورت بازسازی کشور و هم‌چنین تغییرات و تحولات نظام بین‌الملل، موجبات برتری واقع‌گرایان انقلابی بر آرمان‌گرایان انقلابی را در جهت‌گیری سیاست خارجی فراهم ساخت. (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۳۱) سیاست خارجی ج.ا.ا به لحاظ ساختارهای خاص جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی و هم‌چنین گرایش‌های آرمانی و نوع نگرش سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان به نظام بین‌الملل، حالت ویژه در بین حدود ۲۰۰ کشور جهان دارد. بسیاری از پژوهشگران، سیاست خارجی ایران را در قالب آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی تحلیل می‌کنند و برخی دیگر از واقع‌گرایی به صورت عام استفاده می‌کنند. (ازغندی، ۱۳۹۱: ۶۷)

با نگاه به سیره عملی امام خمینی، الگوی آرمان‌گرایی واقع‌بین در رویکرد سیاست خارجی ج.ا.ا مشاهده می‌شود. تأکید بر ضرورت جهاد در دفاع مقدس و تلقی آن به عنوان تکلیف همگان بدون توجه به نتایج آن، صدور فتوای قتل سلمان رشدی بدون واژه‌ها از پیامد قطع روابط با اروپا، حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش، تأیید اقدام دانشجویان خط امام در تسخیر سفارت آمریکا و اعلام روز قدس به عنوان روز جهانی مبارزه مستضعفین برای رهایی بیت‌المقدس، حکایت از آرمان‌گرایی او دارد و تأکید بر ضرورت دفاع از حدود و ثغور کشور، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ با توجه به شرایط داخلی و بین‌المللی و مصالح جامعه، ضرورت تجهیز به قوای مادی و معنوی و بهره‌گیری از توان تسلیحی و تبلیغی در مقابله با قدرت‌های استکباری، نشانه واقع‌بینی امام است. (دهشیری، ۱۳۹۱: ۳۳۵-۳۳۶)

امام خمینی نه یک آرمان‌گرای محض و نه یک واقع‌گرای ناب است بلکه آمیزه پیچیده‌ای از آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است. هدف اساسی او تضمین استقلال ایران در چارچوب جمهوری اسلامی تحت حاکمیت ولی فقیه بود. آیت‌الله خمینی در آذر ۱۳۵۸ گفت شرط استقلال ایران، استقلال فکری است. او در آبان ۱۳۶۳ گفت نداشتن رابطه با دیگر دولت‌ها را هیچ انسانی... نمی‌پذیرد چون معنایش شکست خوردن و فنا و مدفون شدن است. او حتی از این فراتر رفت و در آبان ۱۳۶۴ اعلام کرد: ما نمی‌خواهیم در یک کشوری زندگی کنیم که از دنیا منعزل باشد... امروز دنیا مانند عائله و یک شهر است... وقتی دنیا وضعش این طور است ما نباید منعزل باشیم. (رمضانی، ۱۳۸۰: ۶۹-۷۰)

پس امام خمینی، نه یک آرمان‌گرای غافل از واقعیات و نه یک واقع‌گرای منکر آرمان‌ها است بلکه یک آرمان‌جوی واقع‌نگر بود که در صدد شناخت صحیح و دقیق واقعیات و حرکت از واقعیات موجود به سوی بایدها و آرمان‌ها و تحقق عملی آنها بود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مانند امام خمینی از یک‌سو بر واقعیات و از سوی دیگر بر آرمان‌ها تأکید دارد. او آرمان‌گرایی همراه با واقع‌بینی را رمز پیشرفت ملت و نظام اسلامی برمی‌شمرد و فهم دقیق ترکیب ظریف آرمان‌خواهی توأم با واقع‌بینی را ضروری می‌داند: ترکیب آرمان‌گرایی با واقعیات، حرکت مجاهدانه در چارچوب تدبیر است که لازمه آن، آگاهی عموم مردم، دست اندرکاران و همدلی و همراهی در همه عرصه‌ها است. او شرط عبور موفقیت‌آمیز از پیچ‌های تند و گردنه‌های سخت در مسیر حرکت نظام اسلامی را حفظ ترکیب آرمان‌گرایی با واقع‌بینی و نگاه صحیح به توانایی‌ها و ظرفیت‌های کشور و ملت دانست. او عزت ملی، زندگی ایمان‌مدار، مشارکت در

مدیریت کشور، پیشرفت همه‌جانبه، استقلال اقتصادی - سیاسی و برخورداری از آبروی بین‌المللی را از مطالبات واقعی برمی‌شمرد و می‌افزاید: این خواسته‌های ملت دقیقاً در جهت آرمان‌های انقلاب است و نشان می‌دهد که آرمان‌گرایی با واقع‌بینی، منافات ندارد. (نشریه اخبار شیعیان، ۱۳۸۱: ۱)

۴. مبانی پیوند آرمان‌ها و واقعیت‌ها در سیاست خارجی ج.ا.ا.

مبانی مختلف در اندیشه سیاسی شیعه، عامل پیوند آرمان و واقعیت در عرصه سیاست خارجی است و جریان غالب بر سیاست خارجی ج.ا.ا. تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌بینی است که مبانی این رویکرد، ریشه در آموزه‌های فقه شیعه دارد. سیاست خارجی ج.ا.ا. بر مبانی دین اسلام استوار است و این مبانی، عامل پیوند آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی می‌باشد که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

۴-۱. اصل اجتهاد

یک ویژگی ممتاز دین اسلام و بویژه مذهب تشیع، اجتهاد است که گویای پویایی شریعت با حفظ اصول و ثوابت شرعی است. (فقیهی، ۱۳۹۱: ۱۰۹) باب اجتهاد در مکتب تشیع همواره مفتوح بوده است. اجتهاد در مکتب تشیع به پیروان مکتب کمک می‌کند تا همواره مسایل مستحدثه را با استفاده از فتاوی مراجع تقلید، حل و فصل کنند و شرایط مقتضی حضور در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی را فراهم آورند که از مصادیق بارز حل معضلات جامعه اسلامی است. باب اجتهاد در تمام مسایل شرع، باز است و فقها احکام الهی را از منابع چهارگانه استنباط می‌کنند تا دائماً فقه در حرکت و تکامل باشد. (خمینی، ج ۲۱، ۱۳۶۷: ۲۱) زنده بودن به عنوان یک شرط برای مجتهدی که مردم از او تقلید می‌کنند، با نظریه امامت، هماهنگ است که امام باید همیشه به صورت آشکار یا مخفی به عنوان حجت خداوند در میان امت باشد. از این رو مجتهد جامع شرایط مقبول عام به مرجع تقلید تبدیل گردید. فتوای هر مجتهد تا وقتی که مستدل به ادله و قرائن است، به مثابه حکم الهی، قطعی است. (فقیهی، ۱۳۹۱: ۱۱۴-۱۱۵) حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت، نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است. (امام خمینی، ج ۲۱، ۱۳۶۷: ۲۱۷)

اصل اجتهاد که ویژگی فقهای اصولی است، توانمندی اساسی را به فقهای شیعی برای درک مسایل جدید جهان اعطا کرده است. امام خمینی با تأکید بر اجتهاد در حل معضلات کشور معتقد بود که اجتهاد مصطلح در حوزه کافی نیست و باید به نقش زمان و مکان در اجتهاد توجه بیشتری گردد. (فوزی، ۱۳۸۴: ۸۵) ویژگی مهم این شیوه، نقش زمان و مکان در اجتهاد است. در این روش، بعد از سنجش ابعاد قضایا و ویژگی موضوعات در بستر زمان، اجتهاد بر اساس منابع شناخت انجام می‌پذیرد. (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۰۸) در واقع، اصول سیاست خارجی را باید بر اساس اصل اجتهاد در فقه اسلامی استنباط کرد که با عنایت به موضوعات، مبانی و منابع فقه، آرمان‌ها و واقعیت‌ها، حکم شرعی صادر می‌گردد.

۴-۲. منبع عقل

عقل از منابع چهارگانه استنباط احکام است؛ یعنی با برهان عقلی کشف می‌شود که در فلان مورد، فلان حکم وجوبی یا تحریمی وجود دارد. عقل به منزله یکی از منابع اصیل فقه در استنباط احکام، به ویژه در حوزه نظام سیاسی و اجتماعی، نقش محوری دارد؛ زیرا عقل در آموزه‌های دین، مستقل است و به ملاکات امور دسترسی دارد. از این رو، ضرورت طرح عقل به منزله یکی از منابع در بخش اداره جامعه و حکومت، ملموس تر خواهد بود. این عنصر در فقه به عنوان یکی از منابع اصلی استنباط در امور غیرتبعیدی به ویژه احکام جامعه و حکومت نقش محوری دارد. (ایزدهی، ۱۳۸۹: ۱۶۷) با عنایت به حجیت عقل در آموزه‌های دینی و تأکید فقیهان بر آن، عقل از سه کارکرد متفاوت در حوزه متفاوت احکام شریعت برخوردار است و توسعه در کارکرد فقه در این سه ساحت، بستر تحول و نوگرایی در فقه به شمار می‌آید:

۱. **داوری آموزه‌های نقلی:** داوری عقل در حوزه فقه اجتماعی و سیاسی، نقش تعیین کننده دارد. (ایزدهی، ۱۳۸۹: ۱۶۹-۱۶۹)

۲. **کشف احکام دین:** این کارکرد عقل در ذیل قاعده ملازمه عقل و شرع، مستغلات عقلیه یا مواردی که حکم عقل، فقیه را به قطع به حکم شرعی می‌رساند، تبیین می‌شود. این قضیه در صورت تبیین دقیق، راهکار عملیاتی در جهت استفاده حداکثری از عقل در فقه به شمار می‌آید. (ایزدهی، ۱۳۸۹: ۱۶۹)

۳. **فهم مراد شریعت:** کارکرد اصلی عقل که فهم آموزه‌های شریعت است، مورد اتفاق نظر است؛ زیرا حتی کسی که می‌خواهد نقش عقل را انکار کند باید از استدلال عقلی

بهره گیرد. (ایزدهی، ۱۳۸۹: ۱۷۰-۱۷۱) کارکردهای مزبور عقل به تملیق آرمان‌ها و واقعیت‌ها در عرصه سیاست خارجی حکومت اسلامی کمک می‌کند و اصل عقل، عامل پیوند این دو مقوله محسوب می‌شود.

۴-۳. عنصر زمان و مکان

زمان و مکان بر استنباط، تأثیر می‌گذارد و نقش آن توسط فقیهان سابق نیز به اجمال مورد عنایت بود اما در پرتو نیاز روزافزون نظام سیاسی و انطباق آن با شریعت، از سوی امام خمینی به جریان فراگیر در فقه برای اداره دینی نظام سیاسی تبدیل شد. (ایزدهی، ۱۳۸۹: ۱۵۸) زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهاد است، مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است. به ظاهر، همان مسئله ممکن است در روابط حاکم بر یک نظام، حکم جدیدی پیدا کند بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرق نکرده است، موضوع جدیدی شده است که حکم جدیدی می‌طلبد. (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۲۱، ۲۸۹) یکی از مسایل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی، نقش زمان و مکان در تصمیم‌گیری‌ها است. (امام خمینی، ۱۳۶۷: ج ۲۱، ۲۱۷) تأثیر زمان و مکان در فتوای فقهی، چیزی است که اگر فقهای بزرگوار ما بر آن تکیه کنند، ابواب جدیدی از مسائل اسلامی و احکام الهی برای مردم باز خواهد شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸: ۱۳۶۸/۴/۲۳) این نوع نگاه به تأثیر زمان و مکان، ظرفیت پیوند واقعیت و آرمان را در سیاست خارجی می‌افزاید و به تناسب اقتضائات به آرمانها در بستر واقعیات نگریسته می‌شود.

۴-۴. قاعده مصلحت

در سیره پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و عالمان دین، موارد زیادی از کاربرد مصلحت دیده می‌شود و مباحث مختلف در رعایت مصالح موقوف علیهم توسط متولی وقف، لزوم رعایت مصالح یتیم توسط سرپرستان، رعایت مصلحت در بحث جزیه، صلح، جنگ و... طرح شده است. در ج.ا.ا نیز بحث مصلحت از سوی امام خمینی به شکل گسترده مطرح شد. (اکبری، ۱۳۸۷: ۵۲) مصلحت در فقه شیعی در حوزه عمل سیاسی به مثابه یک قاعده از عصر حضور تا حال حاضر مدنظر بوده است. در فقه شیعه، تبعیت و ملازمه حکم شرعی با مصالح و مفاسد واقعی، یک اصل عقلی و کلامی خدشه‌ناپذیر است. (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴: ج ۹، ۳۳) توجه به عنصر مصلحت و ضرورت کاربرد آن در

اجتهاد در حوزه سیاست، تأثیر بسیار بر استنباط در امر قانون‌گذاری و حوزه سیاست خارجی دارد. (میراحمدی، ۱۳۸۷: ۳۴۴-۳۴۵) از منظر گفتمان مصلحت‌محور، گرچه صدور انقلاب، حمایت از مستضعفان و دفاع از حقوق مسلمانان، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و مبارزه با استکبار جهانی و نظام سلطه از اهداف انقلاب اسلامی به شمار می‌رود اما تحقق این آرمان‌ها باید با رعایت مصلحت اسلام و مسلمانان صورت گیرد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۲۱۸) عنصر مصلحت از حیث ماهوی، عامل پیوند واقعیت‌ها و آرمان‌ها است و این عنصر باعث ایجاد فضای لازم جهت تحقق حقایق آرمانی با ملاحظه ابعاد واقعی سیاست خارجی می‌گردد.

۴-۵. احکام حکومتی

تصمیمات ولی امر مسلمین بر حسب مصلحت وقت و وضع مقررات طبق آنها و اجرای آنها، مانند شریعت دارای اعتبار و لازم‌الاجرا است؛ با این تفاوت که قوانین آسمانی، ثابت و لایتغیر است و مقررات وضعی، قابل تغییر و تابع مصلحت موجد می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۹۸، به نقل از: خسروپناه، ۱۳۸۰: ۶۴-۶۵) حکومت که شعبه‌ای از ولایت رسول الله است، یکی از احکام اولیه اسلام و مقدم بر تمام احکام فرعی است. (امام خمینی، ۱۳۶۶: ج ۲۰، ۴۵۱-۴۵۲) احکام حکومتی در فقه سیاسی مانند احکام اولی و ثانوی، منبع شرعی و حقوقی است. احکام حکومتی در حوزه سیاست خارجی مانند قطع رابطه با برخی دولت‌ها، تعطیلی مراسم حج به طور موقت، تصمیماتی است که رهبری جامعه اسلامی در سایه قوانین شریعت و رعایت موازین آن بر حسب مصلحت، اتخاذ و مقرراتی برای آن وضع می‌کند. (مرادی و فروتن، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۱) ولی فقیه در زمان غیبت اختیار دارد خارج از حوزه احکام اولیه و ثانویه، در مواردی که مصلحت ملزمه می‌بیند، اقدام به صدور فرمان کند. این دستورات مثل احکام اولیه و ثانویه، واجب‌الاطاعه است. (اکبری، ۱۳۸۷: ۵۵) احکام حکومتی، مکانیسم مناسب برای پیوند آرمان‌ها و واقعیت‌ها را در عرصه سیاست خارجی فراهم می‌سازد و تصمیمات و اقدامات در این حوزه از سیاست در پرتو آرمان‌های اعتقادی و واقعیات عینی صورت می‌گیرد.

۴-۶. قاعده منطفة الفراغ

قاعده فقهی منطفة الفراغ در بیشتر ابواب فقه امکان اجرا دارد. حوزه منطفة الفراغ بالأصله مباح است و مراد از آن، حوزه‌ای است که در واقع، خالی از حکم الزامی است.

وجود چنین قلمرویی، نقضی بر شریعت نیست بلکه خود دلیلی بر شمول نظام حقوقی اسلام و قابلیت آن بر شرایط مختلف زمانی و مکانی است. (صدر، ۱۴۰۲ق: ۷۲۵-۷۲۶) با توجه به این‌که در این حوزه، اجباری از طرف شرع بر انجام یا ترک فعل وجود ندارد و مکلف در انتخاب راه، آزادی عمل دارد، قانون‌گذار در حکومت اسلامی بر طبق مصالح عمومی، موقف معینی را اتخاذ می‌کند و مردم را موظف به اجرای آن می‌نماید (صدر، ۱۴۰۳ق: ۱۱، به نقل از مهدوی، علی قانع، ۱۳۹۰: ۱۷۸-۱۷۹) مراد از منطفة الفراع نه اباحه به معنای اخص بلکه حوزه‌ای خالی از حکم الزامی و جوب و حرمت است. (مهدوی و علی قانع، ۱۳۹۰: ۱۷۹)

تعبیر ما لانص فیه نیز برای حیطة‌ای که قانون‌گذاری در آن به حکومت اسلامی سپرده شده به کار رفته است. محقق نایینی در بحث از اصول وظایف سیاسی در عصر غیبت، وضع قوانین متناسب با شرایط و مقتضیات زمان را یکی از مهم‌ترین وظایف می‌داند. او قوانین و احکام شریعت را برای تنظیم و تدبیر امور کشور به احکام ثابت و متغیر که با اختلاف اعصار و امصار تغییر می‌یابد، تقسیم می‌کند؛ او حوزه ثابت احکام را حوزه منصوص و حوزه متغیر را احکام غیرمنصوص می‌داند که تشخیص آن به ولی امر موکول شده است. مهم‌ترین ضابطه قوانین مجعول در حوزه غیرمنصوص برای اداره امور کشور به نظر او حفظ نظام و مصالح جامعه طبق مقتضیات هر عصر است. (نایینی، ۱۳۷۸: ۱۳۰، به نقل از: مهدوی و قانع، ۱۳۹۰: ۱۸۱-۱۸۲) تعبیر دیگر در مورد حوزه‌ای که شریعت، انسان را در آن آزاد گذاشته، تعبیر ما سکت عنه است یعنی حوزه‌هایی که شریعت در آن حکمی نیاورده است. برخی از روایات بر وجود چنین حوزه‌ای در شریعت، دلالت دارد. از حضرت علی (ع) منقول است که فرمود: خداوند، حدودی را معین نموده است که نباید از آن تجاوز کنید و فرایضی را بر شما واجب کرده است که نباید نسبت به آن کاستی کنید و نسبت به اموری سکوت کرده و حکمی برای آن تشریح نکرده است. این سکوت از روی فراموشی نیست بلکه رحمتی از خداوند برای شما است. پس آن را بپذیرید و خود را نسبت به آنها به سختی میندازید. (الحرالعالمی، بی تا، ج ۷: ۱۲۹، به نقل از: مهدوی و قانع، ۱۳۹۰: ۱۸۲-۱۸۳)

فقها در ابواب گوناگون در موارد متعدد به قاعده منطفة الفراع استناد نموده‌اند. (حسینی‌خواه، ۱۳۸۸: ۲۳) منطفة الفراع به حوزه‌ای از شریعت اسلامی ناظر است که شارع، وضع قواعد مناسب با اوضاع و احوال و مقتضیات زمان و مکان را با حفظ ضوابط و در چارچوب معین به عهده ولی امر گذاشته است. پیامبر اکرم (ص) که علاوه بر

ابلاغ شریعت، ولی امر مسلمین بود، اقدام به وضع قواعد در این منطقه نمود. این قواعد به تناسب تحولات و اقتضائات، توسط اولیای بعدی قابل تغییر است. بنابراین، حاکم اسلامی این احکام را ثابت ندانسته و با رعایت ضوابط در این حوزه به وضع قانون می‌پردازد. (راعی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۶) قاعده *منطقه الفراع*، امکان پیوند آرمان و واقعیت را در عرصه سیاست خارجی فراهم می‌سازد و به سیاستگران و مجریان این فرصت را می‌دهد تا بر حسب مقتضیات در فضای ما لانص فیه برای تأمین مصالح و منافع نظام اسلامی به وضع قواعد و اقدام لازم مبادرت نمایند.

۴-۷. اصل حفظ نظام

حفظ نظام از قواعد اساسی فقه سیاسی است و فقها از دیرباز حفظ حکومت اسلامی را از واجبات مسلم دینی دانسته‌اند. انبیا به قدر توان برای ایجاد و حفظ حکومت الهی تلاش کردند. پیامبر اسلام و امام علی^(ع) و امام حسن^(ع) توفیق ایجاد حکومت یافتند و برای حراست از آن سرمایه‌گذاری کردند که تاریخ صدر اسلام مشحون از تلاش آنها در حراست از حکومت عدل است. حکومت در بینش فقهی اسلام از جایگاهی والا برخوردار است و ادله وجوب ایجاد و حراست آن بر همه ادله تقدم دارد که گویاترین شاهد آن زوال حرمت دمء در برابر حکومت است. (عمیدزنجانی، ج ۱، ۱۳۸۹: ۶۸۰) به این معنا که هرگاه اجرای برخی از احکام حتی اولیه موجب اختلال نظام شود طبق قاعده حفظ نظام از اجرای چنین حکمی، جلوگیری می‌شود چون حفظ نظام سیاسی در جامعه اسلامی از اهم واجبات و ضروریات اسلامی است. گاه از قاعده حفظ نظام به قاعده بیضه اسلام تعبیر می‌شود که عبارت از حفظ اسلام و حراست از اقتدار عالیّه مسلمین است. (عمیدزنجانی، ج ۹، ۱۳۸۴: ۲۰۲)

به استناد قاعده حفظ نظام در قلمرو احکام ولایی و حکومتی، مادام‌المصلحه به صدور حکم مبادرت می‌شود و حتی برخی از واجبات که انجام آنها به اصل دین و نظام اسلامی لطمه وارد می‌آورد، ممنوع می‌گردد و برخی از محرّمات که رعایت این مصلحت را به مخاطره می‌افکند، لازم‌الاجرا می‌شود. از آنجا که به خاطر امکان اشتباه، تشخیص و انطباق موارد حفظ دین و نظام از حساسیت برخوردار است و سوابق سوء استفاده از آن در طول تاریخ، اتفاق افتاده است این موضوعات باید توسط فقیه جامع‌الشرایط و ولی امر مسلمین یعنی فقیه مبسوط‌الید انجام بگیرد. (عمیدزنجانی، ج ۹، ۱۳۸۴: ۳۷) قاعده فقهی حفظ نظام با توجه کامل به آرمان‌های جهان‌شمول اسلامی و عنایت به

شرایط واقعی رویاروی حکومت و جامعه، زمینه کافی را برای تلفیق آرمان‌ها و واقعیت‌ها تأمین می‌نماید.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد به این سؤال، جواب داده شود که چگونه ابعاد واقع-گرایی و آرمان‌گرایی در سیاست خارجی ج.ا.ا با یکدیگر پیوند خورده است. برای پاسخ به این سؤال، به ابعاد سیاست خارجی ج.ا.ا از حیث آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی اشاره شد. حضرت امام خمینی به عنوان نظریه‌پرداز نظام ج.ا.ا و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی تلاش کرد تا بین آرمان‌ها و واقعیت‌ها در عرصه سیاست خارجی آشتی برقرار کند. رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز به تلفیق این دو توجه دارد. مبانی پیوند آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی مورد بحث قرار گرفت و بر اساس یافته‌های پژوهش، مبانی فقه سیاسی شیعه، پیوندبخش آرمان‌ها و واقعیت‌ها در این عرصه است که عبارتند از: ۱. اجتهاد، ۲. عقل، ۳. زمان و مکان، ۴. مصلحت، ۵. حکم حکومتی ۶. منطفه‌الفراغ، ۷. حفظ نظام. در مجموع فقه شیعه دارای پتانسیل بالا برای ایجاد ارتباط بین آرمان‌ها و واقعیت‌ها می‌باشد که بهره‌برداری از این توانایی‌ها امکان‌پذیر است. آرمان‌ها را در عرصه بین‌المللی به شکل واقع‌بینانه فراهم آورده است. در واقع، آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی ج.ا.ا در طول یکدیگر قرار دارند. لذا دیدگاه سیاست خارجی ج.ا.ا نه آرمان‌گرایی صرف و نه واقع‌گرایی محض بلکه تلفیق این دو یعنی آرمان‌گرایی واقع‌بین و التزام به واقعیت‌ها و آرمان‌ها است که ملازمه این دو ضرورتی خدشه‌ناپذیر است و غفلت از این تلازم موجب انحراف از چارچوب نظام ج.ا.ا در سیاست خارجی می‌شود.

منابع

- ابراهیمی، شهروز (۱۳۸۸). "بررسی و اسازنه نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران و پیوند آن با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی"، *فصلنامه روابط خارجی*، سال اول، ش ۴، زمستان.
- ابراهیمی، شهروز، علی‌اصغر ستوده و احسان شیخون (۱۳۸۹). "بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم"، *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، ش ۴، بهار و تابستان.
- ابراهیمی، شهروز، علی‌اصغر ستوده و احسان شیخون (۱۳۸۹). "رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل در مقایسه با رویکرد رئالیستی و لیبرالیستی"، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، ش ۱۲، پاییز و زمستان.

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۰). ولایت مطلقه فقیه از دیدگاه امام خمینی (ثبات یا تحول نظری)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ازغندی، علیرضا (۱۳۸۰). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.

ازغندی، علیرضا (۱۳۹۱). چهارچوب‌ها و جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.

اسدی، سیدعلی اکبر (۱۳۸۹). "رنالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی"، راهبرد، ش ۵۶، پاییز. اطاعت، جواد و مسعود رضائی (۱۳۹۰). نظریه رنالیسم و ضرورت بازنگری در مفاهیم آن، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، ش ۲، تابستان.

اکبری، کمال (۱۳۸۷). سیرتطور فقه سیاسی شیعه، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.

اکبری، کمال (۱۳۹۱). "ظرفیت‌های فقه سیاسی برای نظام سازی"، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، ش ۳۰، پاییز.

ایران‌منش، محمدحسین (۱۳۷۸). شرح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کرمان: خدمات فرهنگی کرمان.

ایزدی، سیدسجاد (۱۳۸۹). "نوگرایی در فقه شیعه"، کتاب نقد، سال دوازدهم، ش ۵۴، بهار.

ایزدی، بیژن (۱۳۸۱). درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: بوستان کتاب.

بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۷۵). اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: آوای نور.

بیات، عبدالرسول (۱۳۸۶). فرهنگ واژه‌ها، تهران: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.

بازارگاد، بهاء‌الدین (۱۳۴۴). مکتب‌های سیاسی، تهران: اقبال.

پلانو، چک‌سی و روی اولتون (۱۳۷۶). فرهنگ اصطلاحات تخصصی روابط بین‌الملل، تهران: علوم نوین.

چرنوف، فرد (۱۳۸۸). نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، تهران: وزارت امور خارجه.

حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه-ای (۲۰۰۱-۱۹۹۱). تهران: وزارت امور خارجه.

حسینی خواه، سیدجواد (۱۳۸۸). قاعده فراغ و تجاوز، تقریرات دروس حاج شیخ محمدجواد لنکرانی.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۱). "آرمان‌گرایی واقع بین، شرط عبور موفق از گردنه‌های سخت"، نشریه اخبار شیعیان، ش ۹.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۷۹). گفتمان مصلحت در پرتو شریعت، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه.

خمینی، روح‌الله (۱۳۶۷). صحیفه نور، جلد ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح‌الله (۱۳۶۷). صحیفه نور، جلد ۲۰، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۰۲ مبانی نظری پیوند آرمان‌ها و واقعیت‌ها در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ...

- خوشوقت، محمدحسین (۱۳۸۵). تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران: وزارت امور خارجه.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۸). "آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی"، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، ش ۲، تابستان.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۱). *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹). "مبانی فرانظری نظریه اسلامی روابط بین‌الملل"، روابط خارجی، ش ۶، تابستان.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۰). "واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، ش ۲، تابستان.
- دوثرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۷۶). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید برزگی، تهران: قومس.
- راعی، مسعود و سید اسمعیل حسینی قلندری (۱۳۹۱). "احکام حکومتی و منطفه‌الفراغ با تکیه بر اندیشه‌های فقهی شهید صدر"، فصلنامه حکومت اسلامی، سال هفدهم، ش ۴، زمستان.
- رضیانی، روح‌الله (۱۳۸۰). *چارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۶۸). *نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل*، تهران: قومس.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴). *مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، تهران: وزارت امور خارجه.
- صفوی‌همامی، سیدحمزه (۱۳۸۸). *کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۵). *فلسفه سیاسی در غرب؛ عصر جدید و سده نوزدهم*، تهران: وزارت امور خارجه.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴). *فقه سیاسی (مصلحت)*، جلد نهم، تهران: امیر کبیر.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). *دانشنامه فقه سیاسی (مشمول بر وائزگان فقهی و حقوقی عمومی)*، جلد اول، تهران: دانشگاه تهران.
- غراباق زندی، داود (۱۳۸۷). "اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: جستاری در متون"، فصلنامه راهبرد، سال یازدهم، ش ۲، تابستان.
- فقیهی، سیدمهدی (۱۳۹۱). *شکوه کارآمدی فقه سیاسی*، تهران: زمزم هدایت.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴). *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران: معارف اسلامی.

- فیاض، علی (۱۳۸۶). "نقد و بررسی نظریه‌های روابط بین‌الملل از منظر امام خمینی و اندیشمندان غربی"، *مجله طلوع*، ش ۲۳، پاییز.
- فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۲). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۱). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سمت.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). *روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها*، تهران: سمت.
- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۳). *روابط بین‌الملل در تئوری و عمل*، تهران: قومس.
- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۴). *روش و بینش در سیاست*، تهران: وزارت امور خارجه.
- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۶). *اخلاق و سیاست*، تهران: قومس.
- لینکلتر، اندرو (۱۳۸۶). *آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی*، ترجمه لی‌لا سازگار، تهران: وزارت امور خارجه.
- مرادی، علی اصغر و اباصلت فروتن (۱۳۸۹). *واژه‌نامه فقه سیاسی*، قم: ائمه اطهار علیهم‌السلام.
- مشیرزاده، حمیرا و نبی‌الله ابراهیمی (۱۳۹۰). *تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۰). *سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی*، تهران: مفرس.
- مهدوی، اصغر آقا و احمدعلی قانع (۱۳۹۰). *گفتارهایی در فقه سیاسی (حکومت، امنیت، فرهنگ)*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۳). *نظریه‌های کلان روابط بین‌الملل*، تهران: قومس.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱). *تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: وزارت امور خارجه.
- نیاکویی، سیدامیر و حسین بهمنش (۱۳۹۱). "نسبت میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در اندیشه امام خمینی با تأکید بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸"، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ش ۳، تابستان.
- یعقوبی، سعید (۱۳۸۷). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.